

جشنواره جهانی فیلم فجر

نگاهی به فیلم «واکس چه»

راوی رنج‌های انسان



فرانک آرتا

● فیلم «واکس چه» برخلاف آنچه که گفته می‌شود، یک فیلم «مستند» نیست! بلکه فیلمی مستند – داستانی است که فیلم‌ساز، روایت خود از زندگی ابراهیم منصفی را به تصویر کشیده است. قریب به دو دهه از مرگ پرابهام ابراهیم منصفی، نوازنده گیتار، خوانند و شاعر پرآوازه بندرعباسی گذشته و حالا کامران حیدری فیلم‌ساز به‌سراغ این چهره مطرح موسیقی جنوب رفته است. نکته جالب در این مستند، زیبایی‌شناسی تصویری فیلم است. در پلان ابتدایی فیلم شاهد نمای هلی‌شات و «های‌انگل از بندرعباس هستیم که گویی راوی داستان، همان‌سا روح ابراهیم منصف در آسمان است که از بالا به همه‌چیز می‌نگرد و با صدای پررزم‌راز خود – در نقش راوی داستان – زندگی گذشته‌اش را برای تماشاگران روایت می‌کند. قطعاً چنین ایده‌ای، برساخته خود فیلم‌ساز است که دیگر جنبه اسنادی صرف ندارد و تنها فرمی انتخاب‌شده است که برای همراه و همدل‌کردن مخاطب به خدمت گرفته شده.



در ادامه هم دوربین در حالت سیال و گاهی لرزان وارد محل. اطراف و اکناف زندگی این هنرمند می‌شود و سعی می‌کند تمامی زوایای پنهان را علنی کند. سیالیت و آزادبودن دوربین، درواقع گرته‌برداری از روح زخم‌خورده کسی است که این‌بار سعی می‌کند جدا از تن خاکی خود، زندگی خود را وسیع‌تر و رهاتر روایت کند. هرچند که در انتهای فیلم راوی داستان عوض می‌شود و دوست نزدیکش، «طیب نامی»، رنج‌های ابرام را به اشتراک می‌گذارد، اما آنچه در این روایت جذابیت ایجاد کرده، در هم‌پیکگی بازنمایی واقعیت و حقیقت است که تماشاگر را با پایان ماجرا با خود می‌برد. هر چند نمایش تصاویر خوانندگان که ترانه‌های ابرام منصف را می‌خوانند و هرکدام راوی درهای خلق آن هستند، فیلم را از فضای عبوس و غمگین بیرون آورده و درعین حال بخشی از تاریخ موسیقی این سرزمین را به نمایش می‌گذارد که جای تقدیر دارد.

نگاهی به فیلم «زغال»

زغال‌های خیس خورده!



آنتونیا شرکا

● یک تولید مشترک ایران و فرانسه، در یک روستای مرزی ایران و جمهوری آذربایجان، یک ملودرام غلیظ که پیرنگ آن از همان ابتدا تماشاگر را در دل ماجرابی بغرنج یرت می‌کند و فرو می‌برد تا حدی که تا پایان امکان رهایی وجود ندارد؛ عشقی که با جرمی گره خورده و... البته گریه که بازکردن آن، چندان هم دشوار نیست، اما گویی شخصیت‌ها، عزمشان را جزم کرده‌اند که ثابت کنند تقدیرشان شوم و بختشان به سیاهی زغال است. درواقع تلخی حاکم بر سرنوشت آدم‌های فیلم، چیزی نیست جز یک انتخاب برخاسته از اختیار آنها! خانواده غیرت (قهرمان فیلم) به‌قدری تاسیاس هستند که نه قدر فداکاری‌های یکدیگر را می‌دانند و نه قدر ازخودگذشتگی اطرافیان، اعزم اقوام و اهالی روستا!



آنها مانند اغلب آدم‌های جبرگرا، ترجیح می‌دهند خود را قربانی بدانند تا اتوان اشتباهات خود را پس دهند و با تحمل مکافات گناه، به وارستگی برسند. در چنین فضای واپس‌گرایانه و رخت‌آمیزی، ناگفته پیداست که درخواست کمک مالی از کسبه بازار مایه آبروریزی و شرم تلقی می‌شود، اما دست به قاچاق مشروبات الکلی‌زدن حتی آنجا که نیاز مالی برطرف می‌شود، موجه و قابل درک خواهد بود. فیلم پیام همدلی‌برانگیزی ندارد و ای‌انکاش طور دیگری تمام می‌شد. به لحاظ ساختاری هم – با وجود اینکه فیلم‌نامه محکم و فیلم‌برداری خوبی دارد – آن‌قدر بازی‌های مؤثر و ریتم یوبایی ندارد که اجازه ندهد تفکر ایستای نهفته در پس آن آزارت دهد. زغال به‌عنوان یک فیلم اول محترم است و باید دید، اما وقتی مثلاً با فیلم مشابهی – به لحاظ فضای فیلم، جنس بازی‌ها، شخصیت‌پردازی و روایت درام – مثل قصر شیرین (رضا میرکریمی) مقایسه‌اش می‌کنیم، نمی‌توانیم از آنچه در قصر شیرین – بخواهم یا نخواهم – همراهان می‌کند، اما در زغال «KÖMÜR» جایمان می‌گذارد، به راحتی بگذریم.

گروه هنر: علیرضا تابش در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با «شرق»، درباره رویکرد جدید بنیاد سینمایی فارابی نسبت به سینمای کودک سخن گفت که بخشی از آن در این گفت‌وگوی کوتاه آمده است.

● **گایگاه اقتصادی و فرهنگی فیلم‌های کودک و نوجوان در سبد تولید و اکران سالانه سینما چیست؟** در کنار توجه به ارزش‌های فرهنگی و اهمیت راهبردی محصولات فرهنگی کودک، توجه به وجوه تجاری و نگاه کارآفرینانه به سینمای کودک اهمیت دارد. در تمام دنیا حوزه سینمای کودک، پول‌سازترین حوزه سینما محسوب می‌شود، اما در ایران سینمای ما از این هدف دور مانده است!

● **از نظر شما چرا کودکان ایرانی اقبال چندانی به تماشای محصولات سینمایی ندارند؟** برخلاف آنچه تصور می‌شود، کودک و نوجوان ایرانی، بسیار اهل استفاده از محصولات فرهنگی است. دست‌کم آمار به ما می‌گوید که این قشر، فیلم‌بین‌ترین قشر جامعه ایران هستند و بیش از ۵۰ درصد ترافیک اینترنت در ایران صرف تماشای ویدئو و محصولات فرهنگی توسط کودکان و نوجوانان می‌شود. این یک فرصت طلایی است که باید از آن استفاده کرد.

● **آیا نحوه اکران و میزان فروش سینمایی فیلم‌های کودک و نوجوان، پدیدآورندگان این فیلم‌ها را به**

هنر

گفت‌وگو با علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

اکران تنها راه در آمد سینمای کودک نیست



ساخت این ژانر سینمایی تشویق می‌کند؟ اکران تنها راه درآمد سینمای کودک نیست، بلکه در جهان زیر ۲۰ درصد از درآمد یک فیلم کودک از راه اکران به دست می‌آید. ما باید به سمت محصولات جانبی و ارتباط با صنایع مختلف جانبی حرکت کنیم، نفس تشکیل «مرکز نوآوری و شتاب‌دهی سینما» با محوریت بخش خصوصی در همین جاست؛ مرکزی که

ارتباط بین سینما و صنایع مختلف را تسهیل می‌کند.

● **چرا ورود نسل جدید کارگردانان به حوزه تولید سینمای کودک اهمیت دارد؟** ورود نسل جدید سینماگران به سینمای کودک، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. نمی‌توان تا ابد در رویای بازگشت سینمای کودک به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ماند و درهای سینمای کودک را روی نسل جدید

تک‌نگاری درباره لیلی عاج، پدیده این سال‌های تئاتر

کمیته نان در راه تئاتر شهر



نمایش‌نامه نوشت و کار کرد. نام نمایش «شب» بود.

باله‌روی سطرهای بی‌معنی

از وقتی گرایش ادبیات نمایشی را انتخاب کرد، نوشتن هم برایش جدی‌تر شد و نمایش‌نامه «شب» اولین نمایش‌نامه‌اش است. البته اسم آن را برای اجرای عمومی در تئاتر شهر تغییر داد. اسمش را گذاشت «باله روی سطرهای بی‌معنی». بعد از اجرای جشنواره تئاتر دانشگاهی فکر کرد این اسم مناسب‌تر است. داستان «چهره غمگین من» را تبدیل به مونولوگ کرده بود و صداهایی از بیرون با شخصیت اصلی حرف می‌زدند. هانیه توسلی تازه از همدان به تهران آمده بود و از طریق احسان فکاه با او آشنا شد، کار را تمرین کردند و به جشنواره تئاتر دانشگاهی راه پیدا کردند و هانیه جایزه اول بازیگر را برد. این شد که او و هانیه توسلی نمایش دیگری کار کردند. آن جایزه سوم کارگردانی را گرفت.

آن زمان هروقت کسی رتبه‌ای می‌آورد یا جایزه‌ای می‌گرفت، تخفیف شهریه دانشگاه شامل حالش می‌شد؛ اما او خواشش کرد که به آنها پلاتو با زمان طولانی بدهند. دانشکده در خیابان بزرگمهر یک ساختمانی داشت که دوتا پلاتو در زیرزمینش آماده شده بود و گروهش یکی از پلاتوها را سه ماه در اختیار داشت. این شد که او و هانیه توسلی نمایش دیگری کار کردند. آن زمان خیلی بیشتر از حالا درگیر فرم بود؛ مثلاً اگر یک چهارپایه آهنی دفرمه در دانشکده بود، آن را به پلاتو می‌آورد و می‌گفت فلان قصه کوتاه از «آلبرتو موراولا» یا «دینو بوتراتی» را خوانده و به نظرش می‌تواند مبنای نمایششان باشد. بعد هرچه داشت را می‌گذاشت وسط و هانیه توسلی شروع می‌کرد به اتودزند؛ به نظرش انصافاً بداهه‌پرداز خوبی بود و هم اهل مطالعه ... او اتود می‌زد و لیلی عاج می‌نوشت و ناخودآگاه جنبه‌های فرمی و فیزیکال کار بر متن غالب می‌شد. شاید به این دلیل به او جایزه کارگردانی می‌دادند. عاج این شانس را داشت که اولین نمایشی را که کارگردانی کرد، در تئاتر شهر اجرا کند؛ سالان خورشید که حالا شده فضای انتظار و ورودی سالن قشایی. سال بعد هم در جشنواره تئاتر دانشجویی «فکاهی‌نامه یک زن» را با بازی نگار عابدی کار کرد که اتفاقاً نگار عابدی هم جایزه گرفت و او نامزد طرح‌ای صحنه شد و دیلم افتخار گرفت؛ شاید چون در رقابت بود تا فرمی جدید پیدا کند و عرق‌ریزان روحی داشت که جوری کاری کند که شیبه بقیه نباشد.

بعدها در نمایش‌های «قرمز و دیگران» و «گل‌های شمع‌دانی» دستیار محمد یعقوبی شد؛ یعنی تا حدودی تئاتر حرفه‌ای آن دوران را تجربه کرد، اما درآمدی نداشت. همین جنبه‌های اقتصادی ماجرا بود که سال‌ها او را پاینده تلویزیون کرد. ناگفته نماند از یعقوبی خیلی چیزها و مهمتر از همه ادب و متانت در برخورد با بازیگران و گروه و صبور و فروتنی بی‌نهایت را

بعد از آن می‌بینم.»

فرهنگ بیان کرد: «شکر ویژه‌ای از علیرضا زین‌دست دارم که در این فیلم در کنار من بود. من در خلال فیلم‌برداری این فیلم به او می‌گفتم علیرضا زین‌چشم.

در چهار سال گذشته بوده که مورد استقبال مخاطبان نیز قرار گرفته است. این بخش با حمایت فیلمخانه ملی ایران توانسته فیلم‌های مهم و تأثیرگذار سینما را مرمت و بازسازی کند. خاطره‌ای که شادمهر راستین به آن اشاره کرد برای من بسیار خاطره‌انگیز است؛ فیلم سینمایی «طلسم» اولین فیلمی بود که من به همراه همسر در سینما دیدم.» در ادامه این مراسم، داریوش فرهنگ با حضور روی صحنه با بیان اینکه هنرمندان مایه از جان می‌گیرند و خرد از خردورزی، سخنان خود را آغاز کرد و گفت: «خوشحالم که در این مراسم حضور دارم و فیلم مرمت‌شده «طلسم» را روی پرده و در کنار تعدادی از عوامل آن می‌بینم.»

فرهنگ بیان کرد: «شکر ویژه‌ای از علیرضا زین‌دست دارم که در این فیلم در کنار من بود. من در خلال فیلم‌برداری این فیلم به او می‌گفتم علیرضا زین‌چشم.

بسته نگاه داشت.

● **حتما آثار کمدی پرفروش، سینمای فرهنگی یا سینمای کودک را به حاشیه می‌راند. پس چه باید کرد؟**

خوب نیست که فکر یا احساس کنیم کسی یا باندی در سینما با سینمای کودک دشمنی دارد، اگر هم احقاقی در حق سینمای کودک در بخش اکران اتفاق می‌افتد، از سر ناآگاهی یا ضرردهی سینمای کودک در ۱۵ سال اخیر است. سینماگران به کمک هم باید این تصور و فرهنگ را تغییر دهند، نه‌اینکه به سوءظن‌ها اضافه نشود یا عده‌ای دیگران را دشمن خود بدانند. منافع بخش‌کنندگان در سینمای کودک و نوجوان باید پیش‌بینی و تأمین شود.

● **رئوس برنامه‌ها و اقدامات بنیاد فارابی در حمایت از سینمای کودک و نوجوان چیست؟**

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

● **چرا ورود نسل جدید کارگردانان به حوزه تولید سینمای کودک اهمیت دارد؟**

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

● **چرا ورود نسل جدید کارگردانان به حوزه تولید سینمای کودک اهمیت دارد؟**

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

بنیاد سینمایی فارابی و شورای کودک بنیاد فارابی در حال تلاش برای واردکردن منطق جدید کسب‌وکار به سینمای کودک هستند. وب‌سایت «سینماقصه» با حمایت بنیاد فارابی طراحی و به‌روزرسانی شده و آماده افتتاح است و می‌تواند بین سینماگران و ادبیات‌دوگه ارتباطه‌ای ارگانیک برقرار کند. شورای تخصصی سینمای کودک فارابی هم از این‌سو با تشکیل گروه‌های خلاق قصد دارد تولید سینمایی کودک و نوجوان را از حالت جزیره‌ای و تک‌نفره به فعالیتانی گروهی تبدیل کند.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با نوید محمودی به بهانه نمایش

فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان»

مهاجرت شناسنامه ماست



بهناز شیربانی

«شکستن همزمان بیست استخوان» برای نخستین‌بار در سی‌وهفتمین جشنواره جهانی فجر به نمایش گذاشته شد؛ فیلمی که تا به امروز نمایش‌های جهانی موفقیتی نداشته و جوایزی کسب کرده است. نمایش این فیلم اما برای اهالی سینما و مطبوعات به سانس فوق‌العاده نیمه‌شب کشید و به نظر می‌رسد تا به اینجا تازه‌ترین ساخته جمشید و نوید محمودی نمره قبولی از منتقدان گرفته باشد. پرداختن به حضور مهاجران افغان و اساساً داستان مهاجرت در ساخته‌های این دو برادر محوریت است و این‌بار نیز روایت دیگری از مصائب افغان‌ها به تصویر کشیده شده و نکته جالب‌توجه، مطرح‌کردن قانون عدم اهدای عضو به مهاجران افغان است. نوید محمودی، تهیه‌کننده این فیلم سینمایی، درباره شرایط ساخت این فیلم سینمایی به «شرق» گفت: «همه ما عشق را تجربه کرده‌ایم، حتی کسانی که مدعی تجربه‌نگردنش هستند هم به نظر من ادای تجربه‌نگردن را درمی‌آورند. در دوره‌ای که عشقی را تجربه می‌کنی، همه چیز جذاب و غمگین است، نکته مهم فیلم‌هایی که من و جمشید می‌سازیم هم این است. چون مهاجرت را تجربه کردیم، به همه‌چیز از این دریچه نگاه می‌کنیم. این فیلم هم این‌طور شکل گرفت که ایده‌ای داشتم و با جمشید مطرح کردم در مورد مردی که در تمام زندگی‌اش فریاد می‌زند که عاشق مادرش است، اما در یک جایی در این شرایط اخلاقی قرار می‌گیرد که باید دست به انتخاب برند. این ایده مطرح شد و مثل همیشه جمشید یک فیلم‌نامه خوب نوشت و ساخته شد».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «دو سال قبل‌تر از نگارش نمایش‌نامه، دختر جوانی در شیراز آماده پیوند می‌شود و ظاهراً با این قانون روبه‌رو می‌شود که نمی‌توانند از یک ایرانی عضو بگیرند و در نهایت دختر فوت می‌کند. من اصلاً این موضوع را نمی‌دانستم. این قصه به سراغ ما آمد و احساس کردم آدمی اگر همیشه شعار بدهد که عاشق اطرافیانم هستم، وقتی در یک شرایط اخلاقی انتخاب قرار می‌گیرد خودش را در انتخاب می‌کند یا دیگران را؟ دلم می‌خواست شخصیتی در آن شرایط اخلاقی باشد و تصمیم بگیرد. نمی‌توانم بگویم برایم دغدغه نبود، ولی نمی‌توانم بگویم دغدغه‌ای بود که در اجتماع با آن برخورد کردم. چیزی بود که می‌دانستم و چنین قانونی مشکلاتی ایجاد کرده است و پیوند اعضا به اتباع خارجی در ایران امکان‌پذیر نیست و فکر می‌کنم مطرح‌کردن آن با جمشید و قصه‌ای که نوشته شد، ما را به این فیلم رساند».

محسن تابنده به زعم بسیاری از مخاطبان این فیلم سینمایی بازی قابل‌قبولی در این فیلم به نمایش گذاشته است. نوید محمودی درباره حضور تابنده به‌عنوان نقش اصلی فیلم هم به نکته جالبی اشاره کرد: «دو سال پیش از اینکه فیلم‌نامه نوشته شود، محسن تابنده برای این نقش انتخاب شده بود. ما با آقای تابنده قصه را مطرح کردیم و محسن انتخاب او را جزء مهم‌ترین انتخاب‌ها بود. درواقع دو سال زمان برد تا فیلم‌نامه نوشته شود، چراکه فیلم‌نامه حساسی بود و برای ما هم مهم بود همین‌که ساخته شود نوشته شود و در نهایت همان شد. احساس می‌کنم بهترین چیزی که تا به امروز از محسن تابنده دیدم، همین حضور او است».

حضور بازیگران حرفه‌ای در کنار نابازیگران از نکات جالب‌توجه فیلم است. محمودی درباره انتخاب‌هایش در فیلم گفت: «از فیلم نخست تا به امروز استفاده از نابازیگر را در ساخته‌هایمان داشته‌ایم. در این فیلم مادری را داریم که مثل یک بازیگر حرفه‌ای سینما نقش‌آفرینی کرده است، اما آن خام‌کن یزن بسیار معمولی است

و باقی نابازیگرانی که می‌بینید. محسن تابنده و مجتبی پیرزاده از بازیگران حرفه‌ای فیلم بودند که یکی‌کردن و اندازه‌کردن این بازیگران با نابازیگرانی که در فیلم دیدید کار ساده‌ای نبود. مجتبی پیرزاده هم حضور درخشان و فوق‌العاده‌ای دارد.» محمودی درباره تم مهاجرت در آثارش هم گفت: «مهاجرت شماره شناسنامه ماست و این موضوع در آثار ما کاملاً پررنگ است».

این دو برادر درحال حاضر مشغول ساخت سریالی برای تلویزیون هستند. نوید محمودی درباره اکران فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان» و ادامه فعالیت‌شان گفت: «ما با پول خودمان فیلم می‌سازیم. سال هفتمی است که ما در سینما مشغول کار هستیم. در هفت سال ما سه فیلم داشتیم که دیده شده و یک فیلم هنوز دیده نشده است. به نظر من در هفت سال، چهار فیلم مناسب است. در تمام این هفت سال، دو سریال ساختیم و چون از تلویزیون کارم را شروع کردم، معتقدم اگر قصه خوبی را برای بیننده تلویزیون روایت کنی، چه اشکالی دارد که مدیوم چیست؟ سریال «سایه‌بان» خدا را شکر توسط مردم خوب دیده شد و موفق بود و سعی کردیم کارمان را در هر مدیوم درست انجام دهیم.»